

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۱-۱۶

عوامل مؤثر بر پیشبرد سیاست‌های اصل ۴۴ در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی شهرستان کرمانشاه

حسین آگهی، اکرم بینائیان، و نیوشا اقتداری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۱

چکیده

بخش تعاون کشور اهرمی مناسب برای دستیابی به عدالت اجتماعی و برابری به‌شمار می‌رود. سیاست مهم بخش تعاونی افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم است. پژوهش حاضر در ۱۳۸۹ انجام شده و از نوع توصیفی و پیمایشی است؛ روش نمونه‌گیری طبقه‌ای- تصادفی و با توجه به جدول بارتلت، حجم نمونه ۲۴۹ نفر از اعضای هیئت مدیره تعاونی‌های کشاورزی شهرستان کرمانشاه است. طبق نتایج به‌دست آمده، به ترتیب اولویت، متغیرهای حمایت دولت، آگاهی اعضا از اصول تعاونی، مشارکت فکری افراد، و هماهنگی رشته تحصیلی مدیران با کار آنها بیشترین تأثیر را در پیشبرد سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در تعاونی‌ها دارند.

کلیدواژه‌ها: تعاونی‌های تولیدی کشاورزی / خصوصی سازی / عدالت اجتماعی / مشارکت / کرمانشاه (شهرستان).

* * *

* به ترتیب، دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه؛ نویسنده مسئول و کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه (binaianakram@yahoo.com)؛ و دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

مقدمه

بحث کاهش تصدی‌گری دولت در ایران از دهه ۷۰ آغاز شده و در آخرین سال برنامه دوم توسعه و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مباحثات و اقدامات اجرایی آن انجام شده است. اندازه بزرگ بخش دولتی و تمایل به کاهش آن، از یک سو، و دیدگاه معارض در مورد بخش خصوصی، از سوی دیگر، باعث شده است که تأکید زیادی بر ترویج و گسترش واحدهای تعاونی صورت پذیرد؛ به‌ویژه، با توجه به افزایش روزافزون جمعیت متقاضی کار و علاقه دولت به کاهش تصدی‌گری، افق‌هایی نوین فراروی بخش تعاونی قرار گرفته است. از طرفی، در ایجاد واحدهای تعاونی با امکانات دولتی، زمینه ورود رانت‌خواری، اعمال نفوذ و تبانی به بخش تعاونی مهیا خواهد شد. استیلای تاریخی دولت بر ساختار اقتصادی ایران، که پدید آمدن برخی مقاومت‌ها در ساختار و بدنه دولت و سایر قوا را موجب شده، به عنوان مانعی مهم بر سر راه سیاست‌گذاری‌های اصل ۴۴ قرار دارد و مانع پیشبرد اهداف آن می‌شود. برای نمونه، می‌توان یکی از موانع را برخی مدیران میان‌دولتی برشمرد که واگذاری شرکت‌ها را برابر محروم شدن خود از منافعشان می‌دانند (حیدری، ۱۳۸۵: ۱۸). این در حالی است که متأسفانه هنوز اقداماتی شایان توجه در حوزه آگاه ساختن مردم نسبت به ماهیت این اصل و همیاری آنها صورت نگرفته است. از مهم‌ترین آثار و پیامدهای اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ سرعت بخشیدن به رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، توسعه عدالت اجتماعی از طریق گسترش مالکیت‌ها، دستیابی سریع‌تر به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم اقتصادی به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت است (حیدری، ۱۳۸۵: ۱۰). همچنین، از دیگر آثار مثبت و پیامدهای آن توانمند و بالغ‌سازی بخش تعاون در ساختار اقتصادی کشور و زمینه‌سازی حضور آنها در صحنه رقابت‌های اقتصادی، فراهم‌سازی زمینه حضور مؤثر مجموعه اقتصادی بین‌المللی، گسترش بازار سرمایه و جذب سرمایه‌های پراکنده داخلی

و سایر سرمایه‌گذاران و تمرکززدایی از بنگاه‌ها و مولدهای اقتصادی و توزیع آنها در سراسر کشور به‌ویژه مناطق محروم است. در تقسیمات تعاونی‌ها، لازم است به سمت تعاونی‌های تولیدی حرکت کنیم؛ زیرا تعاونی‌های تولید می‌توانند نقشی مؤثر در اقتصاد خرد، ایجاد اشتغال، عدالت اجتماعی و رفع مشکلات مردم داشته باشند، به‌طوری که تعاونی‌های تولیدی حدود ۴۰ درصد سهم اشتغال را به خود اختصاص می‌دهند (جوهری، ۱۳۸۷: ۷۵). در میان انواع تعاونی‌های تولیدی، تعاونی‌های کشاورزی که اعضای آن را گردانندگان واحدهای کشاورزی تشکیل می‌دهند، با توجه به سهم در بازار، موفق‌ترین نوع تعاونی محسوب می‌شوند (بیرچال، ۱۳۸۷). تشکیل شرکت‌های تعاونی کشاورزی از دیرباز در کشور ایران رایج بوده و به تدریج از شکل سنتی خود خارج و به شکل قانونمند و نوین درآمد است (مستعانی، ۱۳۷۵: ۸۱). رشد و توسعه تعاونی‌های کشاورزی طی چند سال اخیر نیز چشمگیر و قابل توجه بوده، به‌طوری که طبق آخرین آمار در پایان سال ۱۳۸۶، تعداد ۱۱۱۵۳ شرکت تعاونی کشاورزی در کشور تشکیل شده که اعضای این شرکت‌ها به ۱۴۳۸۸۵ نفر رسیده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات بسیار، چه در داخل و چه در خارج از کشور، نشان می‌دهد که عوامل بسیاری می‌تواند در رشد و توسعه تعاونی‌ها تأثیرگذار باشد. از جمله این عوامل به مشارکت دادن جوانان، مشارکت زنان، گنجاندن برنامه‌های آموزشی تعاون در کتاب‌های درسی، فعال شدن روابط عمومی شرکت‌های تعاونی، آموزش از طریق صدا و سیما، دخالت شوراهای اسلامی شهر و روستا و اختصاص بخشی از نشریات محلی به موضوع تعاون اشاره کرد (چیت‌ساز، ۱۳۸۴: ۳۰۱). از دیگر عوامل مؤثر در موفقیت و توسعه تعاونی‌ها، آگاهی ارکان از اصول و فلسفه تعاونی و میزان بهره‌مندی آنها از آموزش‌های لازم است (آقاجانی، ۱۳۸۰: ۱۶؛ سیلواراجو، ۱۳۸۴؛ زرگرانی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). بی‌خبری و بی‌اطلاعی و نداشتن آموزش کافی و یا عدم استمرار آن از مهم‌ترین عوامل

شکست تعاونی‌ها بوده است. دلایل و شواهد بسیاری این مدعا را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد تعاونی‌هایی که به شکل‌ها و اسامی مختلف و تنها با نام تعاون تشکیل شده‌اند، چون فاقد آموزش بوده و مدیران و اعضای آنها از کیفیت کار تعاون اطلاعی نداشته‌اند، دیری نپاییده و از میان رفته‌اند. از جمله عوامل تأثیرگذار بر توسعه تعاونی‌ها، عبارت‌اند از هنجارهای فرهنگی، مدیریت مؤثر و سازگار با شرایط محلی، و سیاست‌های حمایتی دولت. پیشرفت و موفقیت شرکت‌های تعاونی کوچک به‌طور قطع و یقین مستلزم حمایت و کمک‌هایی است تا هر چه بیشتر همبستگی اجتماعی اعضا تحکیم و محیط اقتصادی و سیاسی مناسب برای رشد فراهم شود. وجود چنین حمایت‌هایی از جانب دولت به‌ویژه در مراحل اولیه تأسیس تعاونی، به شرطی که منجر به وابستگی بیش از اندازه آنها نشود، می‌تواند به سر پا ماندن تعاونی کمک کند (ناظمی، ۱۳۸۶: ۱۱۵؛ مهاجرانی، ۱۳۷۶: ۱۳۲؛ حقیقی، ۱۳۸۶: ۶۸). برای موفقیت تعاونی‌ها، باید به‌خوبی به سازمان‌دهی آنها پرداخت، به‌درستی آنها را تأمین مالی کرد، آنها را با اقتدار مدیریت و با یک ساختار عضویت متعهد به‌خوبی اداره کرد. تعاونی‌ها باید پیشرو باشند، خود را با حال و هوای متغیر تجاری تطبیق دهند و در قبال خواسته‌های متفاوت اعضا پاسخ‌گو باشند. لازمه تعاونی‌های کارآمد و پویا وجود ارکان مناسب برای ایفای نقش خود است. مشارکت اعضا در مجامع عمومی تعاون (شیرزادی، ۱۳۸۲: ۱۱۷)، مرتبط بودن رشته تحصیلی مدیران تعاونی با نوع فعالیت آنها (عباسی، ۱۳۸۶: ۱۴)، مهارت‌های مدیریتی و روحیه مردم‌سالاری میان اعضا (Kanda, 1994: 296)، مدیریت قوی و کارآمد، انسجام گروهی و عدم وجود تضاد میان اعضا (Nyoro and Ngugi, 2007: 77-88؛ Poggie et al., 2007) از جمله عوامل مدیریتی - سازمانی مؤثر بر توسعه تعاونی‌ها به‌شمار می‌روند.

بدین ترتیب، با بررسی پیشینه پژوهشی مرتبط با موضوع تحقیق می‌توان دریافت که آنچه بیش از همه می‌تواند در پیشبرد سیاست‌های اصل ۴۴ در تعاونی‌های تولیدی مؤثر واقع شود، آموزش اعضا و سطح آگاهی آنها از اصول و فلسفه تعاونی، حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاونی، و عوامل مدیریتی - سازمانی است. در پژوهش

حاضر، سعی بر آن است که با شناسایی عوامل تأثیرگذار بر پیشبرد سیاست‌های اصل ۴۴ در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی شهرستان کرمانشاه و میزان تأثیر هر کدام از آنها، پیشنهادهایی در راستای فراهم‌سازی زمینه لازم برای پیشبرد این سیاست‌ها ارائه شود.

فرضیات پژوهش

- ۱- بین آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاون و توسعه تعاونی‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد؛
- ۲- بین حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاونی و توسعه تعاونی‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد؛
- ۳- بین ارائه خدمات آموزشی و توسعه تعاونی‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد؛
- ۴- بین میزان مشارکت مالی اعضا در شرکت تعاونی و توسعه تعاونی‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد؛
- ۵- بین شرکت اعضا در جلسات مجمع عمومی و توسعه تعاونی‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد؛
- ۶- بین هماهنگی رشته تحصیلی مدیران با کار آنها و توسعه تعاونی‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد؛
- ۷- بین مشارکت فکری اعضا در تصمیم‌گیری‌های شرکت و توسعه تعاونی‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد؛ و
- ۸- بین مدیریت کارآمد و توسعه تعاونی‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، به بررسی عوامل مؤثر بر پیشبرد سیاست‌های اصل ۴۴ در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی پرداخته شده است؛ از این‌رو، می‌توان آن را در زمره پژوهش‌های کاربردی محسوب کرد. روش تحقیق نیز بر اساس چگونگی به‌دست

آوردن داده‌های مورد نیاز، از نوع توصیفی و همبستگی است، پژوهشی شامل مجموعه روش‌هایی که هدف آن توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. در گردآوری اطلاعات مورد نیاز در مرحله میدانی، از روش مصاحبه عمیق و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. بررسی روایی پرسشنامه، با بهره‌گیری از نظرات پنج تن از اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی (دانشگاه رازی کرمانشاه) و دوازده تن از کارشناسان اداره کل تعاون استان کرمانشاه انجام شد؛ بدیهی است که همگی این افراد دارای سابقه کار تحقیقاتی در زمینه موضوع مورد مطالعه بوده‌اند و از سوی سازمان مربوط به عنوان افراد مطلع معرفی شده بودند. تعیین میزان پایایی پرسشنامه نیز با انجام پیش‌آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ صورت گرفته، که در تمامی قسمت‌های پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از $0/8$ به دست آمده است. جامعه آماری تحقیق اعضای هیئت مدیره تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان کرمانشاه شامل ۶۹۲ نفر در قالب ۱۷۳ شرکت تعاونی بوده است. با توجه به وجود محدودیت‌ها، امکان جمع‌آوری اطلاعات از این تعداد عضو هیئت مدیره وجود نداشت و تصمیم به نمونه‌گیری گرفته شد. حجم نمونه، با استفاده از جدول بارتلت و همکاران (Bartlett et al., 2001)، ۲۴۹ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر نمونه‌گیری طبقه‌ای بوده که با استفاده از روش انتساب متناسب، حجم نمونه در میان طبقات تقسیم شد (جدول ۱). نمونه‌گیری در هر طبقه و در هر تعاونی به روش تصادفی ساده انجام پذیرفته و بیشترین تعداد نمونه متعلق به طبقه تعاونی‌های زراعی و دامپروری بوده است. برای جمع‌آوری داده‌های کیفی نیز به انجام مصاحبه با صد نفر از مدیران عامل شرکت‌های تعاونی مورد مطالعه - که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند - اکتفا شد. برای انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه، با توجه به فهرست تهیه‌شده با همکاری اداره کل تعاون استان کرمانشاه از اسامی اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل و موقعیت مکانی تعاونی‌ها، به محل تعاونی مراجعه شد. با توجه به عدم حضور تعدادی از اعضای هیئت مدیره در محل شرکت تعاونی برای انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه، به برگزاری جلساتی در محل اداره کل تعاون استان

کرمانشاه با حضور همین گروه از مخاطبان اقدام شد. سپس، نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی تحقیق به کار رفت؛ و در پایان، نتایج تحلیل داده‌های پرسشنامه با تحلیل حاصل از مصاحبه‌ها مقایسه شد.

جدول ۱- توزیع حجم نمونه در هر طبقه از جامعه آماری

حجم نمونه	تعداد اعضای هیئت مدیره	گرایش
۲	۷	باغداری
۱۴	۳۵	پرورش گل و گیاه
۷	۲۰	پرورش و تکثیر ماهی
۲	۵	جوجه‌کشی
۱۳	۳۳	چندمنظوره
۲۸	۷۹	خدماتی و مکانیزاسیون کشاورزی
۴۹	۱۳۸	دامپروری
۲۱	۵۷	دامداری
۸۴	۲۳۵	زراعت
۱	۴	زنبورداری
۱	۴	صیادی و شیلات
۵	۱۴	مرتعداری
۵	۱۵	مرغ تخم‌گذار
۱۷	۴۶	مرغ گوشتی
۲۴۹	۶۹۲	جمع کل

مأخذ: اداره کل تعاون استان کرمانشاه، ۱۳۸۹؛ یافته‌های پژوهش

یافته‌ها

در گروه مخاطب که همان اعضای هیئت مدیره تعاونی‌های تولیدی کشاورزی بوده‌اند، ۸۱ درصد را مردان و ۱۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. متوسط سن اعضا ۳۶ سال بوده که جوان‌ترین آنها ۲۲ ساله و مسن‌ترین آنها هفتاد ساله بوده است. از نظر سطح تحصیلات، ۴۱ درصد افراد دارای تحصیلات در سطح لیسانس، ۲۹ درصد در سطح دیپلم، ۱۹ درصد در سطح زیر دیپلم و ۴/۵ درصد در سطح فوق لیسانس و بالاتر

بوده‌اند. برای آزمون فرضیه‌ها، از همبستگی اسپیرمن استفاده شده که خلاصه نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- خلاصه نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد فرضیه‌های تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار r	P
آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاون	توسعه تعاونی تولیدی	۰/۴۴۱**	۰/۰۰۰
ارائه خدمات آموزشی	توسعه تعاونی تولیدی	۰/۱۲۸*	۰/۰۴۶
حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاونی	توسعه تعاونی تولیدی	۰/۵۰۹**	۰/۰۰۰
مشارکت مالی اعضا در شرکت تعاونی (۱)	توسعه تعاونی تولیدی	۰/۱۰۹	۰/۰۹۱
مشارکت فکری اعضا در شرکت تعاونی	توسعه تعاونی تولیدی	۰/۲۹۸**	۰/۰۰۰
شرکت اعضا در جلسات مجمع عمومی	توسعه تعاونی تولیدی	۰/۱۸۲**	۰/۰۰۷
هماهنگی رشته تحصیلی با کار	توسعه تعاونی تولیدی	۰/۲۰۰**	۰/۰۰۲
مدیریت کارآمد	توسعه تعاونی تولیدی	۰/۰۵۱	۰/۴۳۱

* معنی‌داری در سطح پنج درصد خطا ** معنی‌داری در سطح یک درصد خطا

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان داد که متغیرهای آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاون، ارائه خدمات آموزشی، حمایت دولت از تعاونی در مراحل اولیه، مشارکت فکری اعضا در شرکت تعاونی، شرکت اعضا در جلسات مجمع عمومی و هماهنگی رشته تحصیلی مدیران با کار، با میزان توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه مثبت دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه (جدول ۳) حاکی از آن است که به ترتیب، متغیرهای (۱) حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاونی، (۲) آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاون، (۳) مشارکت فکری افراد در تصمیم‌گیری، و (۴) هماهنگی رشته تحصیلی مدیران با کار چهل درصد از عوامل مؤثر بر توسعه تعاونی‌های تولیدی را پیشگویی می‌کنند.

جدول ۳- مراحل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام

مرحل	متغیرهای وارد شده به معادله	ضرایب b متغیرهای وارد شده به معادله	R ^۲	F
گام اول	حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاون	۰/۳۵۴	۰/۲۸	۸۰/۱۶۶**
گام دوم	حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاون آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاونی	۰/۲۹۰ ۰/۲۵۴	۰/۳۶	۵۸/۱۹۹**
گام سوم	حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاون آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاونی مشارکت فکری افراد در تصمیم‌گیری	۰/۲۷۵ ۰/۲۴۹ ۰/۲۰۹	۰/۳۸	۴۳/۶۶۰**
گام چهارم	حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاون آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاونی مشارکت فکری افراد در تصمیم‌گیری هماهنگی رشته تحصیلی مدیران با کار آنها	۰/۲۸۴ ۰/۲۲۴ ۰/۲۱۰ ۰/۱۳۵	۰/۴۰	۳۵/۴۵۶**

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ خطا

مأخذ: یافته‌های پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بخش تحلیل کیفی، با توجه به مصاحبه صورت گرفته، به بررسی نظرات افراد مورد مطالعه در خصوص سؤالات مورد نظر پرداخته شده که نتایج آن در جدول ۴ به ترتیب اولویت و اهمیت موارد ذکر شده آمده است.

جدول ۴- نتایج حاصل از مصاحبه در خصوص عوامل تأثیرگذار در پیشبرد سیاست‌های اصل ۴۴ در تعاونی‌های تولیدی از دیدگاه مدیران عامل شرکت‌های تعاونی تولیدی کشاورزی شهرستان کرمانشاه

اولویت	چه عواملی را در پیشبرد سیاست‌های اصل ۴۴ در تعاونی‌های تولیدی مهم می‌دانید؟	فراوانی	درصد
۱	افزایش حمایت‌های دولت	۹۶	۲۲/۸
۲	داشتن سرمایه در گردش	۵۵	۱۳/۱
۳	مهارت فنی کارکنان و وجود افراد متخصص	۴۹	۱۱/۶
۴	همدلی و هم‌فکری اعضا	۴۸	۱۱/۴
۵	کم شدن سود وام‌های بانکی و بخشودگی جریمه‌های بانکی در صورت زیان شرکت	۳۰	۷/۱
۶	آگاهی اعضا در رابطه با اصول و کار تعاونی	۲۹	۶/۸
۷	استفاده از فناوری نوین	۲۴	۵/۷
۸	مدیریت قوی و همدل با اعضای هیئت مدیره	۱۹	۴/۵
۹	بازاریابی صحیح محصولات	۹	۲/۱
۱۰	توان مالی اعضا	۸	۱/۹
۱۱	امکان دسترسی سریع و آسان به نهاده‌ها	۸	۱/۹
۱۲	حذف دلالتان بازار توسط دولت	۷	۱/۷
۱۳	تلاش و پشتکار اعضا	۶	۱/۴
۱۴	هماهنگ بودن تعاونی‌های هم‌گروه در قالب اتحادیه و بازاریابی و فروش محصولات توسط اتحادیه	۵	۱/۲
۱۵	مکان‌یابی صحیح محل اجرای طرح	۵	۱/۲
۱۶	بدون پاسخ	۲۳	۵/۴
	مجموع		۱۰۰

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

طبق مندرجات جدول بالا اعضای هیئت مدیره افزایش حمایت دولت را مهم‌ترین عامل در پیشبرد سیاست‌ها در شرکت‌های تعاونی خود می‌دانند. وجود سرمایه در گردش، مهارت فنی کارکنان، همدلی و هم‌فکری اعضا، کم شدن سود وام‌های بانکی و بخشودگی جریمه‌های بانکی در صورت زیان شرکت، آگاهی اعضا در رابطه با کار تعاونی، استفاده از فناوری نوین و مدیریت قوی و همدل با اعضای هیئت مدیره از جمله موارد دیگری است که بدان اشاره شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان می‌دهد که متغیرهای آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاون با میزان توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی رابطه مثبت دارد. این یافته با نتایج مطالعاتی که آگاهی اعضا را در توسعه تعاونی مؤثر می‌داند، مطابقت دارد (آقاجانی، ۱۳۸۰؛ سیلوواراجو، ۱۳۸۴؛ زرگرانی، ۱۳۸۶؛ چیت‌ساز، ۱۳۸۴). همچنین، رابطه مثبت بین متغیر ارائه خدمات آموزشی و توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی تأییدکننده نتایج مطالعات چیت‌ساز (۱۳۸۴)، لطیفیان (۱۳۸۶)، آقاجانی (۱۳۸۰)، خضولو (۱۳۸۵)، زرگرانی (۱۳۸۶)، و کوهی (۱۳۸۶) است. رابطه مثبت میان متغیر حمایت دولت از تعاونی در مراحل اولیه تأسیس تعاونی و توسعه تعاونی با مطالعات مهاجرانی (۱۳۷۶)، حقیقی (۱۳۸۵)، ناظمی (۱۳۸۶)، و (Arcilla, 1994) همسو و هم‌نواست. برخلاف نظر عنبری (۱۳۸۰) بین میزان مشارکت مالی اعضا در شرکت تعاونی و توسعه تعاونی‌های تولید رابطه معنی‌دار وجود ندارد. رابطه مثبت متغیرهای مشارکت فکری اعضا در شرکت تعاونی، شرکت اعضا در جلسات مجمع عمومی و هماهنگی رشته تحصیلی مدیران با کار آنها با میزان توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی نیز با نتایج به‌دست آمده از سوی محققانی چون انصاری (۱۳۸۱)، عباسی (۱۳۸۶)، کرمی (۱۳۷۶)، و (Kanda, 1994) مطابقت دارد. همچنین، نتیجه حاصل از رگرسیون حاکی از آن است که از میان متغیرهای یاد شده، چهار متغیر بیشترین تأثیر را در تبیین و پیش‌بینی متغیر توسعه تعاونی‌های تولیدی داراست که پس از مقایسه با نتیجه مصاحبه، تا حدودی هم‌پوشانی و انطباق آنها تأیید شد. در مقایسه صورت گرفته (جدول ۵)، متغیر حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاونی، که به عنوان اولین متغیر وارد رگرسیون شد، در تحلیل کیفی هم اولویت اول را به خود اختصاص داد، که نشان‌دهنده تأیید نتایج به‌دست آمده و نیز اهمیت این عامل در توسعه تعاونی‌های تولید است. متغیر آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاونی که مربوط به عامل ارائه خدمات آموزشی بود، به عنوان دومین متغیر وارد معادله رگرسیون شد که در

تحلیل کیفی اولویت ششم را به خود اختصاص داد. متغیر مشارکت فکری افراد در تصمیم‌گیری که جزو متغیرهای مربوط به عوامل مدیریتی - سازمانی بود، به عنوان سومین متغیر مهم وارد معادله رگرسیون شد، که در تحلیل کیفی با عنوان هم‌فکری اعضا اولویت چهارم را تشکیل داد. چهارمین متغیر وارد شده در معادله رگرسیون (جزو عوامل مدیریتی - سازمانی)، متغیر هماهنگی رشته تحصیلی مدیران با کار آنها بود، که در تحلیل کیفی با عنوان وجود افراد متخصص اولویت سوم را از نظر اهمیت به خود اختصاص داد. در راستای نتایج یاد شده، پیشنهادهایی برای توسعه هر چه بیشتر تعاونی‌های تولیدی بخش کشاورزی ارائه شده است.

جدول ۵- مقایسه نتایج حاصل از داده‌های کمی و کیفی

نتایج یافته‌های کیفی			نتایج یافته‌های کمی			
اولویت	فراوانی	مقوله	F	R ²	Beta	متغیر
اول	۹۶	افزایش حمایت‌های دولت	۸۰/۱۶۶**	۰/۲۸	۰/۵۰۰	حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاونی
ششم	۲۹	آگاهی اعضا در رابطه با اصول و کار تعاونی	۵۸/۱۹۹**	۰/۳۶	۰/۳۰۲	آگاهی اعضا از اصول و فلسفه تعاونی
چهارم	۴۸	هم‌فکری اعضا	۴۳/۶۶۰**	۰/۳۸	۰/۱۷۳	مشارکت فکری افراد در تصمیم‌گیری
سوم	۴۹	وجود افراد متخصص	۳۵/۴۵۶**	۰/۴۰	۰/۱۴۵	هماهنگی رشته تحصیلی مدیران با کار آنها

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ خطا

مأخذ: یافته‌های پژوهش

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- با توجه به تأثیر حمایت دولت در مراحل اولیه تأسیس تعاونی بر میزان توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی، دولت از طریق ارگان‌های ذی‌ربط خود نسبت به حمایت از این‌گونه تعاونی‌ها تلاش بیشتری انجام دهد. این حمایت به‌ویژه در

مراحل اولیه تأسیس تعاونی منجر به سر پا ماندن تعاونی‌ها می‌شود. این حمایت‌ها می‌تواند از طریق پرداخت به‌موقع وام‌ها و بهبود شرایط بازپرداخت آن، اعمال تخفیف مالیاتی، پرداخت حق بیمه افراد شاغل در شرکت تعاونی و خرید تضمینی محصولات صورت گیرد. کلیه این حمایت‌ها می‌تواند منجر به استخدام افراد جدید در شرکت‌های تعاونی، توسعه شرکت‌های تعاونی و در نهایت، تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی شود؛

۲- با توجه به تأثیر سطح آگاهی اعضا بر میزان توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی، سازمان‌های ذی‌ربط از جمله اداره تعاون، سازمان جهاد کشاورزی و سازمان فنی و حرفه‌ای به آموزش مبحث تعاون برای این گروه پرداخته، فلسفه و اهداف تعاون و شرکت‌های تعاونی را به آنها به‌خوبی آموزش دهند؛ و آموزش تا مرحله‌ای ادامه یابد که همه افراد به فرهنگ تعاون‌گری تجهیز شوند و روحیه تعاون‌گرایی در آنها تقویت و تثبیت شود. فلسفه تشکیل وزارت تعاون و تکلیف اصل ۴۴ نیز جز این نیست؛

۳- مدیران در شرکت‌های تعاونی برای جلب مشارکت فکری اعضا تلاش بیشتری کنند، چرا که مشارکت افراد در امور شرکت می‌تواند موجبات توسعه بیشتر تعاونی را فراهم آورد؛ همچنین، مدیران و مسئولان شرکت‌های تعاونی با فراهم کردن زمینه لازم از مشارکت فکری اعضا در کلیه امور مدیریتی اعم از برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، اجرا و نظارت به‌گونه‌ای شایسته بهره ببرند؛ و

۴- برای موفقیت و توسعه شرکت تعاونی، در ترکیب اعضای هیئت مدیره، افراد متخصص و مجرب و آشنا با مهارت‌های فنی به‌کار گرفته شوند.

یادداشت‌ها

۱- شایان یادآوری است که این نتیجه زیاد دور از ذهن نبوده است، چرا که طی مطالعات انجام‌شده در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی شهرستان کرمانشاه، عدم مشارکت مالی اکثریت اعضا در بیشتر شرکت‌های تعاونی مشاهده شده و پس از علت‌یابی این موضوع، به عواملی همچون عدم تمکن مالی اعضا برای مشارکت و نیز عدم امیدواری آنها به آینده شرکت تعاونی اشاره شده است.

منابع

- آقاجانی، محمد (۱۳۸۰)، *بررسی و ارزیابی فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان*. اصفهان: دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- اداره کل تعاون استان کرمانشاه (۱۳۸۹)، *سالنامه آماری اداره کل تعاون استان کرمانشاه سال ۱۳۸۹*. کرمانشاه: اداره کل تعاون استان کرمانشاه، واحد آموزش و تحقیقات و ترویج.
- انصاری، حمید (۱۳۸۱)، *مطالعه موردی شرکت تعاونی روستایی شباهنگ شهریار*. قم: ام ابیها.
- بیرچال، جانستون (۱۳۸۷)، *تعاونی‌ها و اهداف توسعه هزاره*. ترجمه اصغر بیات. تهران: خوشبین.
- جوهری، عباس (۱۳۸۷)، «سهم ۴۰ درصدی تعاونی‌های تولیدی از کل اشتغال بخش تعاون». *ماهنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ویژه‌نامه همایش ملی تعاون و کارآفرینی)*، سال ۱۹، شماره ۱۹۶، صص ۷۳-۷۵.
- چیت‌ساز، محمدعلی (۱۳۸۴)، «بررسی میزان آگاهی‌های مردم از مفهوم تعاون و تعاونی در شهرستان دهقان و ارائه راهکارهای توسعه تعاونی». *مجموعه مقالات کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه (قسمت اول)*، اردیبهشت ۱۳۸۴. یزد: دانشگاه یزد.
- حقیقی، محمد (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی در جهت تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی». *کارنامه پژوهشی وزارت تعاون در سال ۱۳۸۶*. تهران: خوشبین.
- حیدری، محسن (۱۳۸۵)، «نگاهی به تاریخچه و سوابق تصویب اصل ۴۴ قانون اساسی». *ماهنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعاون*، سال ۱۷، شماره ۱۷۷ (پیاپی ۲۶۶)، صص ۱۰-۱۸.
- خضزلو، بهروز (۱۳۸۷)، «جایگاه علمی و عملی نیروی انسانی متخصص در ساختار تعاونی». *فصلنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعاون*، سال ۱۹، شماره ۱۹۳-۱۹۴ (پیاپی ۲۸۳)، صص ۶۱-۶۵.
- زرگرانی، سعید (۱۳۸۶)، «تعاونی‌سازی در کنار خصوصی‌سازی». *ماهنامه تعاون*، سال ۱۸، شماره ۱۹۱-۱۹۲، صص ۱۱۲-۱۲۰.
- سیلواراجو، آر. (۱۳۸۴)، «بی‌تفاوتی اعضا و عوامل مؤثر بر عدم مشارکت آنها در فعالیت تعاونی». *ماهنامه تعاون*، سال ۱۶، شماره ۱۷۳، صص ۳۰-۳۲.
- شیرزادی، حسینعلی (۱۳۸۲)، *بررسی دیدگاه‌های دانشگاهیان دانشگاه علامه طباطبایی نسبت به عواملی که بر میزان و ارتقای بهره‌وری در تعاونی مصرف دانشگاه نقش دارند*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- عباسی، کاظم (۱۳۸۶)، «راه‌های توانمندسازی شرکت‌های تعاونی استان آذربایجان شرقی». *کارنامه پژوهشی وزارت تعاون در سال ۱۳۸۶*. تهران: خوشبین.
- عنبری، موسی (۱۳۸۰)، *مدیریت در تعاونی‌های کشاورزی*. تهران: سازمان مرکزی تعاونی روستایی ایران.
- کرمی، عزت‌اله (۱۳۷۶)، *رابطه سازه‌های اجتماعی-اقتصادی با دانش فنی و کشاورزی پایدار بین‌گندم‌کاران*. تهران: مؤسسه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- کوهی، کمال (۱۳۸۶)، «بررسی راه‌های تقویت فرهنگ تعاون در جامعه». *کارنامه پژوهشی وزارت تعاون*. تهران: خوشبین.
- لطیفیان، احد (۱۳۸۶)، «سنجش اثربخشی و کارایی شرکت‌های تعاونی استان خراسان رضوی به روش تحلیل پوششی داده‌ها». *فصلنامه تعاون*، سال ۱۸، شماره ۱۹۱-۱۹۲ (پیاپی ۲۸۱)، صص ۳۷-۴۴.
- مستعانی، محمدحسین (۱۳۷۵)، *تعاون و گسترش عدالت اجتماعی*. تهران: وزارت تعاون.
- مهاجرانی، علی (۱۳۷۶)، *بررسی موانع رشد و توسعه تعاونی‌های تولید در استان خراسان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی. مشهد: دانشکده علوم دارایی و اقتصادی، دانشگاه فردوسی.
- ناظمی، شمس‌الدین (۱۳۸۶)، *مطالعه ابعاد و نتایج کمک‌های دولت به تعاونی‌های تولید استان خراسان رضوی و مقایسه آن با کمک‌های دولت به صنایع غیردولتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی. مشهد: دانشکده علوم دارایی و اقتصادی، دانشگاه فردوسی.
- Arcilla, L. S. (1994), "Evaluative study of the Palawan National Agricultural College Credit Cooperatives Union Inc. (PNACCU)". *Philippines Journal of Crop Science*, Vol. 19, No. 1, p. 60.
- Bartlett, James E.; Kotrlik, Joe W.; and Higgins, Chadwick C. (2001), "Organizational research: determining appropriate sample size in survey research". *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, Vol. 19, No. 1, pp. 43-50.
- Kanda, Mohan (1994), "Cooperative movement in Andhra Pradesh: review of policies and programmes". *Journal of Rural Development (Heydarabad)*, Vol. 13, No. 3, pp. 295-307.

- Nyoro, James Karanja and Ngugi, Isaac Komo (2007), "A qualitative analysis of succes and failure factors of agricultural cooperatives in central Kenya". In: Barrett, Andrew G. Mude and John M. oOmiti (eds.) *Decentralization and the Social Economics of Development: Lessons from Kenya*. Oxfordshire UK: CABI International.
- Poggie, John. J.; Pollnac, Richard B.; and Fierro, Miguel A. (2007), "Factors influencing the success of fishermen cooperatives in Ecuador". International Center for Marine Resource Development University of Rhode Island Kingston. *Anthropology Working Paper*, Vol. 5, No. 18, pp. 231-242.

